

عنوان مقاله:

نسبت علوم شناختی و فلسفه اسلامی

محل انتشار:

پژوهشنامه فلسفه، دوره 1، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

مهدي عباس زاده - دانشيار گروه معرفت شناسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

علوم شناختی، دانش مطالعه مغز، ذهن، هوش و فرآیندهای مرتبط با آنها است. دو وظیفه اصلی این دانش عبارت اند از: ۱. تولید مدل های توصیف کننده رفتار مغز انسان و عملکردهای شناختی، ۲. تبیین مقایسه سه عاملی پیچیده ذهن، مغز و رایانه. فرضیه اصلی و غالب این دانش این است که تفکر، پدیده ای «بازنمودگر» و «محاسباتی» است و البته این فرضیه، با انتقادات محققان غربی مواجه شده است. نوشتار حاضر با روش تحلیلی عقلی در صدد تبیین نسبت علوم شناختی و فلسفه اسلامی است و نشان داده است که برخی مبانی و رویکردهای رایج علوم شناختی، مشتمل بر: ۱. مادی انگاری و طبیعی گرایی ذهن یا نفس، ۲. انحصارگرایی در روش تجربی و علمی در مطالعات ذهن، ۳. جبرگرایی در کنش های انسانی، ۴. نسبی گرایی شناخت، و ۵. مادی انگاری شناخت، همگی با مباحث علم النفس و معرفت شناسی در فلسفه اسلامی در تقابل اند. با این حال، این قبیل تقابلات را نباید منفی و سلبی تلقی کرد، بلکه به گونه ای مثبت و ایجابی می توان از این تقابلات، ضرورت عطف توجه فزون تر محققان علوم شناختی به مباحث عقلی فلسفه اسلامی و بالعکس لزوم التفات بیشتر محققان فلسفه اسلامی به یافته های علوم شناختی را درک کرد.

کلمات کلیدی:

علوم شناختی، شناخت، معرفت، ذهن، نفس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1394649>

